

ریشه‌ها و بسترهای تشکیل دهنده ایران هراسی

حمیدرضا تبشیری^۱، مرتضی رفیعی بصیری^۲

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اسلام هراسی ابعاد گسترده‌ای یافته و در قالب «ایران هراسی» ادراک می‌شود. پیش از به‌کارگیری گسترده مفهوم «ایران هراسی»، بحث‌های شرق‌شناسی، به‌طور کلی، نوعی از اسلام‌هراسی را به‌گونه‌ای دیگر، مطرح می‌کردند. علاوه بر آن، گرایش‌های بیگانه‌ترسی و نژادپرستی در دنیای معاصر به پیشرفت این مفهوم یاری رسانده‌اند. هدف اصلی این مقاله، شناخت ریشه‌ها و بسترهای تشکیل دهنده ایران هراسی مبتنی بر چارچوب مفهومی سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری درصدد است تا به‌جای تأکید بر توانایی دولت‌ها یا توزیع قدرت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ساختاری نظام بین‌الملل، بر هویت دولت‌ها انگشت‌گذارد. انگاره‌ها می‌توانند روی هویت‌ها و منافع و سیاست‌ها اثر بگذارند و تغییر جهت از توانایی‌ها به‌سوی هویت‌ها آن چیزی است که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند تا موقعیت خودشان را در ساختار تبیین کنند، پس باوجود آنکه دولت‌ها سرمایه‌اصولی مانند خودیاری، پاسداری از امنیت و منافع ملی رفتار می‌کنند؛ اما اگر بر پایه اصولی باهم همکاری کنند چه‌بسا که نظرشان در مورد هویت خود و اینکه چه ارتباطی با دیگر جهانیان و نظام بین‌الملل می‌توانند داشته باشند، تغییر می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که ریشه‌ها و بسترهای تشکیل دهنده ایران هراسی چیست؟ فرضیه اصلی از نظر این پژوهش به این مقوله می‌پردازد که گفته‌مان سیاسی ضدغرب پس از انقلاب اسلامی ایران موجب شکل‌گیری ایران هراسی شده است. فرضیه رقیب این پژوهش آن است که جمهوری اسلامی ایران با حفظ هویت خود به‌عنوان یک بازیگر دارای هویتی منحصربه‌فرد، سعی دارد با همکاری و گفتگو با غرب به مقابله با ایران هراسی بپردازد.

واژگان کلیدی

ایران هراسی، تروریسم، نظام تحریم، اسلام سیاسی، اسلام بنیادگرا.

مقدمه

ایران هراسی به‌عنوان یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی تأثیر بسیاری بر روابط ایران و غرب نهاده است. این رویداد دارای پیامدها و زمینه‌های متعددی می‌باشد. برخی از این پیامدها توسط غرب و برخی به دست ایران به وجود آمده است. واکاوی پیامدهای تشکیل‌دهنده ایران هراسی می‌تواند به تلاش برای ممانعت از آن کمک شایانی نماید. همچنین توجه به اقدامات مثبت گذشته جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از تشکیل ایران هراسی می‌تواند غرب را به اعتماد بیش‌ازپیش به ایران ترغیب نماید.

سابقه ارتباط ایران با غرب به دوران صفویه بازمی‌گردد. در این ارتباط گاه ایران و گاه غرب داعیه‌دار ابرقدرتی در جهان را داشته‌اند. بر اساس سرشت قدرت، طبیعی است که داعیه‌داران ابرقدرتی در جهان همواره در رقابت با یکدیگر بسر برند. در دوران پهلوی اول و دوم ایران حفظ موقعیت جهانی خود را در همراهی با غرب تعریف نمود و تلاش کرد حداکثر همکاری را با جهان غرب ابراز و اعمال نماید. با وقوع انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از رخداد‌های مهم نیمه دوم قرن بیستم نه‌تنها تغییرات بنیادینی در جغرافیای سیاسی ایران به وجود آمد، بلکه این رخداد موجب بازگشت رقابت میان دو مدعی ابرقدرتی در جهان شد. حس هراس از ایران و تهدید پنداشتن آن به‌طور وسیعی در میان دولت‌های غربی به وجود آمد. خارج‌جانی که در دوره پرماجرایی صفوی به ایران سفر کرده‌اند، نظر خوشی به کشور ما نداشته‌اند، بیم کشورهای اروپایی از اقتدار دولت عثمانی، زمینه را برای اهداف دولت صفوی هموار ساخت و این سلسله توانست هم از تسلط عثمانی بر ممالک اطراف که بزرگ‌ترین آن‌ها ایران بود جلوگیری کند و هم اقتدار دوران گذشته ایران و ایرانی را تجدید نماید. تاریخ صفویه نشان می‌دهد با آن‌که ممالک اروپایی از تجربه فراوان مدیریت و سیاست برخوردار بودند، اما شاهان صفوی، به‌خصوص شاه اسماعیل صفوی که در نوجوانی به سلطنت رسیده بود، در برابر سیاستمداران آزموده و کهنه کار عثمانی و نیز زمامداران اروپایی که طبعاً در مقابل حمایت از ایران در برابر عثمانی، توقعاتی داشتند با توان و تدبیر ظاهر شدند و بی آن‌که به آنان امتیازات وسیعی بدهند، از رودررو کردن اروپائیان با یکدیگر، بهره‌برداری کردند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۶). کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۰۲۲ ق/ ۱۶۰۲ م. تأسیس شد. در سال ۱۶۴۴ م. که دفتر مرکزی باتاویا، کارل کونستانت یکی از مدیران خود را برای تسهیل امور تجاری کمپانی به ایران فرستاده بود، در دربار ایران او را به فلک بستند و ۳۱۵۰۰ درهم غرامت خواستند؛ چون ایرانی‌ها مدعی بودند هلندی‌ها از امتیاز

معافیت گمرکی کاروان‌های خود سوءاستفاده کرده و با کشتی‌های هلندی کالاهای متعلق به تاجران خصوصی خارجی را حمل کرده‌اند. دفتر مرکزی کمپانی با فرستادن ناوگانی به خلیج فارس و حمله به قشم در برابر این اهانت واکنش نشان داد، اما پس از دریافت نامه‌ای از شاه صفوی به عملیات خود خاتمه داد. (رجائی، ۱۳۹۲: ۱۲).

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مربوط به روابط پرفرازونشیب ایران و غرب در محافل علمی و رسانه‌ای، به وجود آمده است. در این میان، مجموعه متنوعی از موضوعات سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی در حوزه‌های داخلی و خارجی، مدنظر بوده و نویسندگان ایرانی و غربی به فراخور شرایط پیشرو، به واکاوی از انگیزه‌ها، رفتار و پیامدهای واقعه موردنظر پرداخته‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که با پیام نوظهوری بر مبنای رویارویی اسلام‌گرا بانظم چیره‌طلبانه بین‌المللی و تقابل‌رهایی طلب با اراده قدرت محور بازیگران بزرگ همراه بود، به زمینه اصلی تغییر در برداشت‌های معمول امریکا نسبت به این دولت تبدیل شد. از این پس به‌ویژه در از ایران در مواضع «درکی تهدیدمحور»، سایه حوادثی چون اشغال سفارت امریکا در تهران، جایگزین روابط نزدیک و راهبردی شد که پیش از این بر الگوی تعامل این دو سایه داشت. اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی اعلام می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» این اصل در عرصه سیاست خارجی نوعی مسئولیت فراملی (اسلام‌گرایانه) در کنار مسئولیت ملی (دولت) را مطرح می‌نماید. اکنون در آستانه آغاز پنجمین دهه انقلاب اسلامی و به‌رغم وجود سابقه همکاری در کنار رقابت میان ایران و غرب (پس از انقلاب) کماکان این فضای رقابتی حفظ شده است.

اصل یک‌صد و پنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران عدم نقض قواعد و هنجارهای بین‌المللی وظیفه تمامی دولت‌ها است و نمی‌توان هیچ دولتی را از مسئولیتی که نسبت به نظام

بین‌المللی دارد مبراً دانست. این امر تنها از طریق توسعه روابط مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها ممکن است بلکه پذیرش حاکمیت و عدم‌مداخله در امور دیگران دو اصل اساسی در این زمینه است. جمهوری اسلامی ایران به این امر باور دارد که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تنها تعهد به عدم تجاوز به حقوق دیگران نیست، بلکه تعهد به اجرای قواعد و هنجارهای مورد اجماع بین‌المللی را نیز در برمی‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران معتقد است جامعه جهانی باید به یک «درک مشترک» برسد که در آن منافع تمامی ملت‌ها مورد احترام قرار گرفته و همین امر شرط تحقق همکاری و صلح در جهان قرار گیرد، نه پی‌ریزی نظمی سلسله‌مراتبی که در آن کشورهای جهان برای تحقق منافع گروه خاصی از دولت‌ها فعالیت می‌کنند.

متأسفانه علی‌رغم این نظرات، آنچه به‌عنوان ایران هراسی از آن یاد می‌شود در واقع انتقال معکوس افکار و اعمال جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. جمهوری اسلامی ایران در مسائلی مانند افغانستان - عراق و پرونده هسته‌ای خود، به همکاری همه‌جانبه با غرب روی آورد؛ اما هرکدام از این موارد موجب جلب اعتماد غرب نشد. در این مقاله پیامدهای ایران هراسی در غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

کتاب و مقالات متعددی پیرامون تحقیق پیش رو نوشته شده است که نشان از اهمیت موضوع بحث دارد؛ این آثار را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) آثاری که با نگاه و تئوری‌های روابط بین‌الملل به این موضوع پرداخته‌اند:

محسن شریعتی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «تبیین راهبرد ایران هراسی از جانب امریکا جهت مشروعیت‌سازی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی (۱۳۹۰)»

ابراهیم معراجی در مقاله‌ای با عنوان «ایران هراسی: دلایل و پیامدها (۱۳۸۹)».

ب) آثاری که با رویکرد فرهنگی به طرح موضوع این پرداخته‌اند:

سیدمحمد مهدی‌زاده، مجید سلیمانی ساسانی در مقاله‌ای با عنوان «اسلام هراسی و

ایران هراسی در سینمای هالیوود، تحلیل فیلم سینمایی غیرقابل درک. (۱۳۹۵)»

ابوالفضل علوی کارگرا بر قویی، عبدالله عبدالمطلب، عباسعلی رهبر، صالح حسن‌زاده، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین تأثیرات اسلام هراسی و ایران هراسی بر مناسبات فرهنگی

ج. ا. ایران و غرب در فضای پسا انقلاب اسلامی (۱۳۹۸)».

ج) و تنها اثری که به ماهیت و تبیین این موضوع پرداخته است: حمیدرضا ملک

محمدی، هدی داودی، در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (۱۳۹۱)».

این پژوهش با به پیگیری از مقالات دسته اول، دوم و سوم به دنبال ماهیت و تبیین موضوع ایران هراسی است که کمک به تکمیل این پژوهش و نوآوری در این مسئله پژوهشی می‌شود.

چارچوب مفهومی

مفاهیم گفتمان ضد غرب در ایران

اسلام سیاسی: مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی، دفاع از محرومین و مستضعفین، امت اسلامی، دفاع از پابره‌ها، مقابله با کوخ‌نشینی، برابری و مساوات و «اسلام ناب محمدی» (صدیقی حکیم، ۱۳۷۸)

تمامی جامعه‌شناسان کلاسیک به‌جز معدودی، انتظار داشتند که با برآمدن آفتاب قرن بیستم، دین نیز محو گردد در مقابل، انقلاب اسلامی به تعبیر اندیشمندان غربی، نشانه بازگشت خدا به زندگی بشر بود. به اعتقاد آن‌ها با انقلاب اسلامی، «انقلابی ساکت در تفکر و استدلال در حال وقوع است و خدا دارد برمی‌گردد» (گلشنی، ۱۳۷۷: ۶۰).

تجدید حیات اسلامی، نمایانگر تولد مجدد خدایی است که غریبان آن را کشته بودند تا بشر بتواند بهتر زندگی کند. احیای اسلام به معنای انتقام خداوند است و به بازگشت ایمان اشاره دارد انقلاب اسلامی در بیان رهبران این انقلاب نیز دارای چنین سطح مفهومی است (سعید بابی ۱۳۷۹) حضرت امام (ره) معتقد بودند بیداری ملت ایران به دست خدا پیدا شده است و بشر نمی‌تواند این‌طور کار را بکند؛ چراکه یک همچو قیامی سابقه ندارد در تاریخ این انقلاب، یک نظر الهی است و قدرتی مافوق طبیعت، در این قضیه و راهنمای این امر [است] دست خدا بود که از متن ملت جوشیده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۶۲).

این جهانی بودن دین - پیوند دین و دنیا: جدایی بیان قلمرو دین و قلمرو سیاست و آن جهانی کردن دین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدرنیته سیاسی به مفهوم غربی آن می‌باشد. در جدال میان پادشاهان و کلیسا، سرانجام شعار معروف «سهم قیصر به قیصر و سهم پادشاه را به پادشاه دهید، پیروز شد». دین آن جهانی شد و کلیسا از ادعاهای سیاسی خود دست برداشت و قلمرو سیاست از قلمرو مذهب جدا شد. سکولاریسم و لانیسته فرجام کشمکش چندین و چندساله کلیسا و دولت در غرب بود. هدف این پیوند «این جهانی کردن» دین و

بازگردان اسلام به متن جامعه و سیاست است. از این رهگذر دین اسلام هم به سرنوشتی مشابه دین مسیحیت دچار و نقش سیاسی خود را در بسیاری از جوامع و از جمله جامعه ایران از دست داد. به طوری که قرآن در مراسم عروسی و عزا مورد استفاده واقع می‌شد و جامعه متدینین به گوشه‌های مساجد رانده شده بودند. مبارزان و مجاهدان مسلمان در نقاط مختلف جهان از مفاهیم و واژه‌های مبارزاتی مارکسیسم بهره می‌جستند و ادبیات کمونیستی، ادبیات مساوات‌طلبی مبارزه با صلح و امپریالیسم تلقی می‌شد و مجاهدین مسلمان هم تحت تأثیر گفتمان مارکسیستی و بلشویکی بودند (شجاعی زند، ۱۳۸۱: ۹۱).

دولت دینی: مهم‌ترین چالش بین اسلام سیاسی و لیبرال دموکراسی در مبنای مشروعیت حکومت است. نظام سیاسی توسعه‌یافته که در قالب دولت-ملت‌های غربی تجلی یافته، مبنی بر قرارداد است و مشروعیت خود را از آراء اکثریت کسب می‌کند. ماکس وبر این مبنای جدید مشروعیت را، مشروعیت قانونی-عقلانی می‌نامد. گفتنی است دولت-ملت‌های غرب با گفتمان عقلانی ایجاد امنیت تشکیل شدند و به این بهانه توانستند گروه‌های مختلف اجتماعی تشنه امنیت مانند فئودال‌ها و بورژواها را به خود جلب نمایند و به تدریج با همین گفتمان عقلانی، به تشکیل قشون و ارتش اقدام نموده و با اخذ مالیات جهت حفظ امنیت، بدنه دیوان‌سالاری دولتی توسعه‌یافته و دولت-ملت‌های جدید به تدریج شکل گرفتند. از این دیدگاه، دولت-ملت‌های غربی وظایف (فونکسیون) شخصی را بر عهده دارند و مکلف به پاسخگویی به نیازهای آنی و لازم مردمند. این در حالی است که دولت اسلامی که بنیادهای نظری آن در قالب نظریه ولایت فقیه توسط بنیان‌گذار انقلاب پی‌ریزی شده است، مبنای مشروعیت حکومت را الهی می‌داند و برای تحقق پیدا کردن حاکمیت الهی رضایت مردم و اکثریت هم لازم است. تفاوت حکومت، مشروعیت در نظام اسلامی با نظام آرمانی پارادایم توسعه‌گرا در این است که دولت، مسئول است و خود را برای خوشبختی و سعادت واقعی جامعه، دارای رسالتی الهی می‌داند و جلب آراء به هر قیمتی را روا نمی‌داند (مجموعه مقالات پژوهشی «راه انقلاب پیشین»، ۱۳۷۹).

مردم‌سالاری دینی: جمهوری اسلامی در مردم‌سالاری دینی مبنای مشروعیت حکومت را الهی می‌داند و معتقد است برای تحقق پیدا کردن حاکمیت الهی رضایت مردم و اکثریت هم لازم است. (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۳۰)

تکلیف‌محوری، کمال‌جویی: جمهوری اسلامی چهره‌ای دیگری از فرد و شهروند را معرفی می‌کند انسان جانشین خدا بر زمین نامیده می‌شود و در عین حال تکالیف و اهدافی الهی دارد. در جامعه‌ای که «اسلامیسم» بر آن استوار است، فرد، از اهمیت

و احترام ویژه‌ای برخوردار بوده و خلیفه خدا در زمین به شمار می‌رود. فردگرایی مثبت، مورد پذیرش است. حفظ حرمت و کرامت انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی است. افراد رابطه‌ای نظارتی بر حکومت دارند و تنها موضوع مقررات، دستورات نیستند و نظارت عمومی و همگانی به‌عنوان یکی از اصول مسلم و پذیرفته است و شهروندان نظام اسلامی موظف‌اند به حسن اجرای امور نظارت داشته باشند. به بیان دیگر همان‌گونه که گابریل آلموند می‌گوید فرهنگ مشارکت، در این جامعه نیز فرهنگ مشارکتی است نه تبعی؛ با این تفاوت که مشارکت در نظام دموکراسی غربی، برای به حداکثر رساندن سود شخصی است (گلشنی، ۱۳۸۲: ۷۸). در صورتی که در نظام اسلامی، مصالح جمعی بر مصالح فردی مقدم است. جامعه اسلامی برخلاف گزل شافت (اجتماع)، جامعه غیرارادی مبتنی بر پیوندهای خونی و خویشاوندی و مانند آن نیست، بلکه مبتنی بر عقیده است و عقیده هم‌ریشه در اختیار و انتخاب انسان‌ها دارد. از سوی دیگر جامعه اسلامی، از اصول حاکم بر گماین شافت (جامعه) هم فاصله می‌گیرد و لذت‌محوری و سودجویی را محور فعالیت‌های بشری قرار نمی‌دهد. انسان از این منظر از منافع آنی و لذت‌های زودگذر فاصله می‌گیرد و نگاه به مصالحی برتر و بالاتر دارد. منافع هم‌نوعان و هم‌کیشان و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های بالاتر از فرد، موتور محرک شهروند نظام اسلامی است. شهروند مسلمان در حصار تنگ سود و ضعف مادی نمی‌گنجد و به دوردست‌ها نگاه دارد؛ بنابراین نظام اسلامی چهره‌ای دیگر از فرد و شهروند را معرفی می‌کند که نه در گماین شافت و نه در گزل شافت نمی‌گنجد. چرا که چهره‌ای جدید از فرد و روابط اجتماعی است. فرد در عین اینکه در اوج عظمت و ارزش است و جانشین خدا بر زمین نامیده می‌شود، محور عالم وجود نیست و ارزش‌های برتر از او نیز وجود دارد. این فرد در مسیر این ارزش‌های عالی گام برمی‌دارد و هدف و جهت حرکت او بسیار فراتر از شهروند نظام سیاسی لیبرال است. این چهره و این‌گونه روابط اجتماعی به کلی فراموش نشده بود و انقلاب اسلامی با طرح پارادایم جدیدی با عنوان «اسلامیسم»، نه تنها شکل جدیدی از حکومت، بلکه چهره‌ای از شهروند را عرضه می‌نماید که مفهوم شهروندی در نظام مطلوب توسعه‌گرایان را به چالش می‌طلبد (فاضلی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

حکومت جهانی و شهروند فراملی: آرمان شهر اسلامی بر فرهنگ‌های مختلف و پذیرش تنوع آن‌ها بنا نهاده شده است و حکومت جهانی منافاتی با تنوع و تکثرهای قومی و قبیله‌ای و پلورالیسم فرهنگی ندارد و بر مبنای وحدت در عین کثرت بنا شده. نگاه

شهروند آرمان شهر اسلامی، از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود و به فراسوی مرزها نظر دارد. او شهروند یک جامعه جهانی است. شهروند جهانی که امروز در اندیشه‌های جهانی شدن (گلوبالیسم) مطرح است با تفاوت‌های بنیادین در آرمان شهر نظام سیاسی اسلام طراحی شده است. امروزه جهانی شدن در پارادایم توسعه‌گرا معنا می‌شود و به مفهوم حاکمیت لیبرالیسم بر جهان می‌باشد. جهانی شدن بر این بینش فرضی استوار است که نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی لیبرالیسم، جهان شمول است و دموکراسی لیبرال، اقتصاد بازار، سکولاریسم و فردگرایی سرنوشت محتوم جامعه است. جهانی شدن به این معنا باز تولید مفاهیم اساسی پارادایم توسعه‌گراست و به همسان‌سازی فرهنگی و سیاسی نظر دارد و به حق برخی از اندیشمندان آن را ۲۹ «فتووالیسم‌نوین» «استعمار جدید» و «امپراتوری جدید امریکا و غرب» نامیده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ۱۲۲). این در حالی است که آرمان شهر اسلامی بر اصل مهم و معروف و جعلناکم قبائل و شعوباً لعارفاو... بنا نهاده شده است و حکومت جهانی منافاتی با تنوع و تکثرهای قومی و قبیله‌ای و پلورالیسم فرهنگی ندارد.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش از چارچوب نظریه سازه‌انگاری به دلیل توجه به مباحث گفتمانی و هنجاری- ادراکی بیش از سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل و توان تبیین پیامدهای ایران هراسی در غرب استفاده شده است.

هویت در ساده‌ترین تعریف آن عبارت است از چستی هر چیزی یا به بیانی فلسفی هر آنچه که چیزی را به آنچه هست، تبدیل می‌کند. هویت دولت‌ها محور تعریف آن‌ها از واقعیت و برساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست، دشمن، امنیت و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آن‌هاست. او عنوان می‌کند که کشورها مانند افراد تا حد زیادی زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند، این قضاوت‌های ارزشی، کنش را از طریق تحت نفوذ قرار دادن درک ما از موقعیت‌های خاص و نیز جهت‌دهی به انتخاب‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بنابراین هویت ریشه در فهم کنشگر از خود دارد اما معنای این فهم اغلب وابسته به این است که آیا سایر کنشگران، کنشگر را به همان شکل بازنمایی می‌کنند و این نمایه بعد بیناذهنی هویت است؛ یعنی علاوه بر برداشت خود از هویت، برداشت‌های دیگران نیز در معنای آن تأثیر دارد. در این زمینه در واقع ساختارهای درونی و بیرونی هر دو به هویت‌ها قوام می‌بخشند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۶).

توجه به بعد فرهنگی داخلی و خارجی در گفتمان غالب در ایران و در گفتگوهای «خود» با غرب و توجه به ابعاد دیگر ذهنی که فرهنگ در قلب آن قرار دارد باعث تسهیل در شناخت پیامدهای ایران هراسی در غرب در سطح نظری و عملی خواهد شد. باید توجه کرد که فرهنگ را در کنار سایر ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی در دیپلماسی «خود» مورد توجه قرار داده شود تا بدین ترتیب امکان شناخت عمیق‌تر از روابط بین‌الملل مهیا گردد. هویت در هر کشور مهم‌ترین عامل در تعریف منافع و در نتیجه سیاست‌های خارجی آن کشور است که باهدف تأمین منافع، طرح‌ریزی و پیگیری می‌شود. ضمن آنکه یادآوری می‌شود که هویت تنها ساخته و پرداخته عناصر فرهنگی داخلی نیست، بلکه عناصر بین‌المللی نیز باعث ایجاد هویت یک کشور می‌شوند به عبارت دیگر هویت کشور ایران تحت تأثیر ارزش‌های داخلی و متقابلاً ارزش‌های غربی قرار دارد. برخی (به‌ویژه پسا ساختارگرایان) بر آن‌اند که هویت اساساً کم‌وبیش گسیخته، متغیر و حتی به تعبیری پاره‌پاره است؛ هیچ‌گاه واحد و یکپارچه نیست بلکه متکثر است و در عرض گفتمان‌ها، رویه‌ها و موقعیت‌های متفاوت و گاه متداخل و متضاد، برساخته می‌شود. از این منظر هویت‌ها به این مسئله مربوط می‌شوند که چگونه از منافع، تاریخ، زبان و فرهنگ در فرایند شدن و نه بودن استفاده می‌شود؛ بنابراین هویت‌ها در «درون‌بازنمایی» قوام پیدا می‌کنند و نه خارج از آن. آن‌ها حاصل روایت‌سازی از خود هستند، نگاه به روابط ایران و غرب از منظر سازه‌انگاری این فایده عمل‌گرایانه را در بر دارد که حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل بین کشورها و نظام بین‌الملل را با واقعیات متکثر جهان سازگار می‌کند به عبارت دیگر می‌توان با ایجاد یک «زمینه مشترک» به دنبال رشته‌راه‌هایی برای تحلیل رویدادهای متعارض فیما بین ایران و غرب به وجود آورد؛ رویدادهایی که به‌طور فزاینده تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی قرار دارند. در روابط ایران و غرب، وجود ساختار هر یک از طرفین بر تعارض موجود پیشین و مقدم است؛ زیرا اختلافات موجود بین ایران و غرب تاریخی و برساخته شده و هویتی سیاسی دارد، این تعارض تاریخی و برساخته شده است به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران برمی‌گردد و چنانچه در حال حاضر و بعد از انقلاب نسبت به برنامه هسته‌ای ایران این اندازه حساسیت نشان داده شده است حاصل پردازش تصویر هویت ایران در ذهن غربیان است که واقعی نیست. در مقابل نیز، تصویر غرب در ذهن ایرانیان نیز غیر شفاف گشته است. پس بنا به نظریه سازه‌انگاری این تفاوت‌های هویتی - تاریخی و برساخته هستند که منجر به تولید تصویرهای مخدوش و برساخته تفکرات ذهنی طرفین به دلیل عدم درک هر کدام از دیگری می‌شدند. زمانی

که ما از هویت جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم، در وهله نخست این صفت «اسلامی» است که علی‌الاصول تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که بیش از همه یا شاید به شکل مشخص‌تری سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. می‌توان گفت که «هویت اسلامی» جمهوری اسلامی است که تعیین‌کننده منافع و اهداف سیاست خارجی و تعیین‌کننده چگونگی هدایت سیاست خارجی است. فرهنگ اسلامی، مفاهیم برخاسته از اسلام، اصول، قواعد اخلاقی و فقهی اسلام، است. جمهوری اسلامی ایران داعیه‌دار ایجاد وحدت در جگان اسلام، با ایده شکل‌گیری امت اسلامی است. این «جهان‌وطن‌گرایی اسلامی» ریشه در فرهنگ اسلامی داشته و تعیین‌کننده هویت جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل می‌شود.

طبیعی است که غرب به‌عنوان حاکم نظام سیاسی = اجتماعی بشری این «هنجارشکنی» را نپذیرد و به مقابله با آن یعنی «گسترش ایران‌هراسی» پردازد؛ زیرا پنداشت غرب از وحدت جهان اسلام، صدور انقلاب اسلامی، کشورگشایی و مقابله با نظام مدیریت جهانی توسط ایران است.

یافته‌های پژوهش

اقدامات غرب در ایران‌هراسی

ایران‌هراسی همواره یکی از محورهای فعالیت‌های غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. این فعالیت در بخش‌های مختلف هویتی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و رسانه‌ای انجام شده است. «رژیم آخوندی بدون شک تهدیدی برای مردم خود است» (Chomsky, 2010).

تحویل فناوری‌های نوین نظامی به متحدان استراتژیک منطقه‌ای توسط ایالات متحده اسرائیل حدود ۲۰۰ عدد بمب هسته‌ای در اختیار دارد حال آنکه مسئولین امریکایی معتقدند زرادخانه هسته‌ای اسرائیل به احتمال قوی کمتر از یکصد عدد یعنی بین ۵۰ تا ۶۰ بمب را در برمی‌گیرد. آن‌ها بر این باورند که هرچند در اواخر دهه ۱۹۷۰ نیروگاه دیمونا توسعه یافت لکن قادر به تولید مقدار پلوتونیم ضروری برای زرادخانه‌ای با این ظرفیت نیست. در همین حال سیمون هرش در کتاب خود تحت عنوان «انتخاب سامون» اظهار می‌دارد: زرادخانه هسته‌ای اسرائیل بسیار وسیع‌تر و پیشرفته‌تر از آن چیزی است که در برآوردها مطرح می‌شود. برخی از منابع در سال ۱۹۸۶ برآورد کردند که انبار سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل دست کم دویست قطعه سلاح هسته‌ای با قدرت متفاوت را در برمی‌گیرد و این به

معنی آن است که اسرائیل در حال حاضر بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ قطعه سلاح هسته‌ای در اختیار دارد. رابرت هرکابی پژوهشگر یهودی امریکائی الاصل می‌گوید: اسرائیل برای تضمین بقاء خود نیازمند سلاح هسته‌ای است. در سال ۲۰۰۹ میلادی بمب‌های سنگرشکن GBU - ۲۸ که قابلیت نفوذ به استحکامات و تأسیسات زیرزمینی دارد را به رژیم اشغالگر صهیونیستی فروخته است (Khalaf Roula. James Drummond, 2010)

تسلیح عربستان سعودی

گزارش سال ۲۰۰۹ مرکز پژوهش‌های کنگره امریکا تصریح می‌کند که عربستان سعودی بزرگ‌ترین خریدار سلاح امریکا در خلال سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ بوده است. بر اساس این گزارش، عربستان سعودی در طول سالیان مذکور افزون بر ۳۶/۷ میلیارد دلار تسلیحات از امریکا دریافت کرده است و با نسبتی ۱۶ درصدی از کل فروش تسلیحات امریکا به کشورهای مختلف رتبه اول را حائز شده است قرارداد اخیر ۶۰ میلیارد دلاری عربستان با امریکا چیزی کمتر از ۲ برابر ارزش خریدهای تسلیحاتی پادشاهی سعودی از امریکا در خلال سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ است که خود رکوردی در تاریخ خرید تسلیحات جهان به شمار می‌رود. چهار کشور خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و عمان) تصمیم دارند ۱۲۳ میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی از ایالات متحده در راستای آمادگی برای قدرت‌نمایی در برابر ایران هزینه کنند. ۶۷ میلیارد دلار از این قرارداد را عربستان سعودی برای خرید ۸۵ جنگنده اف ۱۵ و نوسازی ۷۰ فروند دیگر از همین نوع هواپیما به اضافه خرید کشتی‌های جنگی و سیستم‌های راداری برعهده گرفته است. امارات متحده عربی قراردادی به ارزش ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار با ایالات متحده منعقد کرده و چراغ سبز امریکا را برای تحویل موشک‌های ضد موشک «شاد» ساخت شرکت لاکهید مارتین دریافت کرده است. پادشاهی عمان نیز ۱۲ میلیارد دلار برای خرید ۱۸ جنگنده جدید اف ۱۶ و تجهیز ۱۲ هواپیمای شکاری دیگر اختصاص خواهد داد. کویت نیز در این میان ۷ میلیارد دلار برای تجهیز و تعویض هواپیماهای جنگی و خرید سیستم‌های کنترل و فرماندهی اختصاص داده است.

اما این قرارداد تنها بخشی از پروژه‌های نظامی مشترک بین عربستان سعودی و ایالات متحده است. پروژه تکمیلی این قرارداد با مذاکرات واشنگتن ریاض درباره تجهیز عربستان به سیستم دفاع دریایی با هزینه‌ای ۳۰ میلیارد دلاری در حال اجرا است. این قرارداد تکمیلی شامل فروش کشتی‌های جنگی و سیستم دفاع ضد موشک بالستیک معروف به «شاد» و تجهیز عربستان به موشک‌های «پاتریوت» است که همگی ساخت شرکت «لاکهید مارتین» است. (Heritage, 2017)

تسلح کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس

چهار کشور خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و عمان) تصمیم دارند ۱۲۳ میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی از ایالات متحده در راستای آمادگی برای قدرت‌نمایی در برابر ایران هزینه کنند. ۶۷ میلیارد دلار از این قرارداد را عربستان سعودی برای خرید ۸۵ جنگنده اف ۱۵ و نوسازی ۷۰ فروند دیگر از همین نوع هواپیما به اضافه خرید کشتی‌های جنگی و سیستم‌های راداری برعهده گرفته است. امارات متحده عربی قراردادی به ارزش ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار با ایالات متحده منعقد کرده و چراغ سبز امریکا را برای تحویل موشک‌های ضد موشک «شاد» ساخت شرکت لاکهید مارتین دریافت کرده است. پادشاهی عمان نیز ۱۲ میلیارد دلار برای خرید ۱۸ جنگنده جدید اف ۱۶ و تجهیز ۱۲ هواپیمای شکاری دیگر اختصاص خواهد داد. کویت نیز در این میان ۷ میلیارد دلار برای تجهیز و تعویض هواپیماهای جنگی و خرید سیستم‌های کنترل و فرماندهی اختصاص داده است.

بمب‌های خوشه‌ای ساخت امریکا دید که به‌رغم ممنوعیت تولید، ذخیره و استفاده آن‌ها توسط قوانین بین‌المللی و کنوانسیون بین‌المللی در این خصوص، ایالات متحده امریکا نه تنها آن‌ها را تولید و ذخیره می‌کند و خود شخصاً از آن‌ها استفاده می‌کند، بلکه با در اختیار قرار دادن آن‌ها برای عربستان سعودی، آن‌هم هم‌زمان با تهاجم وحشیانه‌شان به خاک یمن، علناً از آن‌ها در این جنایات حمایت نموده است و آل سعود با استفاده از این نوه بمب‌های خوشه‌ای امریکایی در مناطق مسکونی و پرجمعیت یمن، صدای اعتراض نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد را نیز درآورده است (Khalaf Roula James Drummond, 2010).

ترویج هراس از ایران در مقایسه با هراس از کره شمالی

موسسه نظرسنجی گالوپ در منتشر کرد: ۳۲ درصد افراد شرکت‌کننده در این نظرسنجی، ایران را بزرگ‌ترین دشمن امریکا به حساب آورده‌اند. ۸۷ درصد نیز نگرش مثبتی نسبت به ایران نداشته و دید منفی‌ای نسبت به ایران دارند. در این نظرسنجی مردم امریکا تهدید ایران برای امریکا را هم‌تراز با کره شمالی دانسته‌اند (W. Moore, 2004). ایالات متحده شبکه دفاع موشکی خود در کالیفرنیا و آلاسکا برای محافظت از حمله کره شمالی افزایش داد در این حال همه تهدید کره شمالی برای ایالات متحده را به‌عنوان یک شوخی بزرگ تفسیر می‌کنند. در طول بحث سیاست متمرکز خارجی بین باراک اوباما و میت رامنی در ماه اکتبر گذشته، واژه ایران نزدیک به ۵۰ بار و واژه کره شمالی فقط یک‌بار ذکر شد، دفاع چاک هیگل: در کمیته خدمات نظامی سنا، کلمه

«ایران» بیش از ۱۷۰ بار ذکر شده است. در حالی که «کره شمالی» ۱۰ بار ذکر شده بود. یک دولت زاهد گوشه‌نشین یک تهدید نیست کره شمالی در حال حاضر دارای سلاح‌های هسته‌ای و ایران چنین سلاح‌هایی در اختیار ندارد؛ اما چرا ایران برخلاف کره شمالی، به‌عنوان ایران یک تهدید مشروع تلقی می‌گردد؟ کره شمالی یک کشور نسبتاً کوچک با رهبران سراسر خائنانی باند به‌عنوان کلیشه بی‌کفایت مطرح می‌شود؛ اما با دلایل روشن ترس از ایران به‌عنوان یک کشور مسلمان ولی متأسفانه متعصب در شمال شرق آسیا آسان‌تر است (Hattem Julian, 2013).

ترویج ایران هراسی در رسانه‌ها

نفوذ ایران در جهان، به‌ویژه کشورهای منطقه و آمریکای لاتین امروزه به یک کابوس برای سردمداران آمریکایی تبدیل شده است مؤسسه نومحافظه کار امریکن اینترپرایز اخیراً تحلیلی را با این مضمون منتشر کرده است که وقت آن رسیده امریکا از خواب بیدار شود و این واقعیت را بفهمد که بعضی از همسایگان او به‌طور جدی با ایران همکاری می‌کنند. این کشورها، مشغول هموار کردن راه بلندپروازی‌های ایران هستند. این مؤسسه، با انتشار این تحلیل به قلم چهار تن از دیپلمات‌های سابق آمریکا نسبت به گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین ابراز نگرانی کرد (کیهان، ۳ بهمن ۱۳۹۱: ۲۰).

همچنین جورج فریدمن، مدیر مؤسسه استراتفور در گفت‌وگو با روزنامه آکشم ترکیه اظهار داشت: ایران در حال حاضر از غرب افغانستان تا بیروت دامنه نفوذ و قدرت خود را افزایش داده است.

روزنامه ایتالیایی لاریوبلیکا می‌نویسد:

امروز ایران این فرصت را دارد تا خود را به‌عنوان قدرت مسلط بر منطقه نشان دهد. امروز شاهدیم که دامنه نفوذ ایران، از دامنه‌های هیمالیا گرفته تا سواحل مدیترانه، گسترش یافته، نفوذی که در قرن‌های اخیر هرگز مانند امروز نبوده است (کیهان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۱).

همچنین بر اساس اسناد منتشر شده ویکی لیکس، که تاریخ آن به ۲۸ آوریل ۲۰۰۹-۸ اردیبهشت ۱۳۸۸ بازمی‌گردد، دیپلمات‌های آمریکایی در مکاتبات خود درباره حسنی مبارک و

۱. رابرت نوریکا، اتورایش، مارک والاس و کریسنسیو آکوس، در تحلیل امریکن اینترپرایز نوشته‌اند: برخی کشورها می‌کوشند فشارهای اقتصادی گسترده علیه ایران را مخدوش سازند. باکمال تعجب این کشورها در منطقه خاورمیانه واقع نشده‌اند، بلکه در منطقه‌ای از جهان قرار دارند که به ایالات متحده بسیار نزدیک‌تر است تا آمریکای لاتین. حالا زمان آن رسیده است که آمریکا و کشورهای همسوی آن این تهدید فزاینده را جدی بگیرند و با آن مقابله کنند. این گزارش می‌افزاید: تلاش‌های ایران برای بهبود روابط با آمریکای لاتین مؤثر بوده است. در سال ۲۰۰۵ ایران تنها شش سفارتخانه در این منطقه داشت؛ اما در حال حاضر، ایران صاحب ۱۰ سفارتخانه در آمریکای لاتین است. چیزی که از حضور دیپلماتیک فزاینده ایران به‌مراتب نگران‌کننده‌تر است، تلاش‌های فرصت طلبانه این کشور برای بهبود روابط با برخی از شرورترین بازیگران دولتی منطقه است (کیهان، ۳ بهمن ۲۰۱۳: ۲۰).

نگرانی‌های او از نفوذ ایران در منطقه چنین می‌گویند: «حسنی مبارك معتقد است که نفوذ ایران در منطقه همچون يك سرطان پیش‌رونده از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تا مراکش در شمال آفریقا را دربر می‌گیرد» (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۱۰/۰۸). انقلاب‌های عربی در منطقه، نه تنها به ضرر ایران تمام نشده است، بلکه موجب شده ایران به کمک متحدان جدیدش و تقویت جایگاه سابق منطقه‌ای‌اش نفوذ خود را گسترش دهد و روز به روز مناطق تازه‌ای را به قلمرو نفوذی‌اش بیفزاید. وی ادامه می‌دهد: با نفوذ ایران در منطقه، نه تنها جامعه عربی بلکه اسرائیل نیز بیش از پیش به محاصره ایران درآمده است. اکنون ایران از طریق مصر، غزه، لبنان و سوریه کاملاً توانسته اسرائیل را محاصر کند. در حالی که، اسرائیل هیچ کاری برای دفع تهدیدهایی که از ناحیه ایران متوجهش شده، نمی‌تواند انجام دهد. بسیاری از کارشناسان معتقدند، بزرگ‌ترین مشکلی که آمریکا را مجبور کرد، به‌رغم خسارت بار بودن عقب‌نشینی برای سیاست خارجی این کشور، از عراق عقب‌نشینی کند، افزایش بی‌حد و حصر نفوذ ایران در عراق است. در حالی که یکی از مسئولان سیاست خارجی آمریکا در گفت‌وگو با روزنامه الحیات در این باره گفته بود: در حال حاضر استراتژی اصلی ما در خاورمیانه، به‌خصوص عراق جلوگیری از نفوذ ایران است. ما بر این باوریم که اگر جلوی ایران را نگیریم، بر آینده سیاست ما تأثیر مستقیم خواهد گذاشت (موسوی خلخالی، ۱۳۸۹: ۱۲).

قطعاً عربستانی‌ها راهی جز مذاکره ندارند. با وجود اینکه می‌بینند همه‌چیز را از دست داده‌اند، اما در آخر مجبورند با ایران مذاکره کنند. مگر سر عراق توانستند کاری از پیش ببرند؟ بعد از ۱۲ سال مجبور شدند بیایند و سفیر تعیین کنند و سفارت خود را باز کنند. چرا که دیدند همه دنیا در حال عادی‌سازی روابط با عراق است و فقط آن‌ها جا مانده‌اند. در مورد ایران همچنین است. آن‌ها می‌بینند که همه در حال آشتی با ایران و عادی‌سازی روابط و گسترش مناسباتشان با آن هستند و فقط خودشان جا مانده‌اند. فعلاً عصبانی‌اند اما می‌دانند که اگر پای میز مذاکره نشینند عقب خواهند افتاد، برای همین مجبورند با ایران وارد مذاکره شوند. قطعاً آب‌ها از آسیاب بیفتد دوباره مجبور به مذاکره با ایران خواهند شد (شریل غسلان، ۱۳۹۲).

کسی نباید ایران را ملامت کند، ایران طرح و استراتژی خودش را دارد، چه ما بخواهیم چه نخواهیم. طرح ایران طراحی شده بر حمایت‌های استراتژیک قدرتمند است و تنها فقط برای گسترش مرحله‌ای نیست. هم‌زمانی که ایران به فکر ساخت طرح خود بود به سمت ایجاد توانایی نظامی قدرتمند و توانایی هسته‌ای که همه دنیا

به آن احترام بگذارند نیز بود. دنیا سال‌ها و سال‌ها بر سربرنامه هسته‌ای‌اش مذاکره کرد؛ و درزمینه نظامی نیز ایران به هیچ‌وجه بر سلاح‌های غربی یا شرقی حساب نکرد، بلکه تصمیم گرفت خود بر اساس توانایی‌ها و خبرگی نیروهای ایرانی سامانه نظامی خود را بسازد و این به هیچ‌وجه جای نکوهش ندارد بلکه برعکس بسیار هم احترام برانگیز است، حتی اگر بعضی از سیاستمداران با آن مخالف باشند. در حالی که اعراب بر حمایت در حال کاهش آمریکا اعتماد کرده‌اند، ایرانی‌ها به نیروی خود کفایی خود در ساخت جامعه و نیروی نظامی اعتماد می‌کنند، مسأله‌ای که باعث شده است تا دنیا با آن‌ها با چشم یک رقیب نه وابسته تعامل کند. فرق میان اعراب و ایران همانند تفاوت دو فردی است که اولی خانه‌ای را اجاره کرده و هر سال به مالک آن خانه (در اینجا آمریکا) برای سال‌ها و سال‌ها اجاره بها می‌دهد و در آخر پولش را از دست می‌دهد درحالی‌که دومی پولی را قرض کرده و خانه‌ای خریده و حالا بعد از چند سال صاحب‌خانه و ملکش شده است. استراتژی ایران دقیقاً حکایت همان فرش‌باف ایرانی است که شهرت جهانی دارد، فرش‌باف ایرانی سال‌ها وقت می‌گذارد تا یک فرش ایرانی را با آن جزئیات بدیع و حیرت‌آورش که همه دنیا را با همه ملت‌ها انگشت‌به‌دهان می‌گذارد بیافد درحالی‌که سیاستمداران عرب واقعاً انسان‌های عجولی هستند به سرعت کلافه می‌شوند و نه در کاری که آغاز کرده‌اند، ادامه می‌دهند و نه استقامت می‌کنند تا طرحشان به دستاورد مطلوب برسد. برای همین به‌طرف خارجی در هر چیز اعتماد کرده‌اند، از جمله در حمایت کشورهایشان از هشدارهای خارجی، بدون این‌که آن قدرت‌ها واقعاً از کشورهایشان در برابر هشدارهای خارجی مراقبت کنند، بدون این‌که بدانند که آن کشوری که مورد حمایت خارجی ایالات متحده است در طول زمان قدرتمند باقی نمی‌ماند، بلکه برعکس روزبه‌روز ضعیف‌تر هم می‌شود و روزی می‌رسد که آن کشور را درحالی‌که ترسیده است، تنها رها می‌کند، همان وضعیتی که اکنون به وجود آمده است، بعد از آن که واشنگتن دست از حمایت خود از هم‌پیمانان عربش برداشت اکنون به سمتی می‌رود تا با دشمن آنان یعنی ایرانی‌ها به تفاهم برسد (قاسم فیصل، ۱۳۹۳).

ایران هراسی در مواضع و اقدامات مقامات امریکایی علیه ایران:



نمودار ۱. روند تغییرات تعداد مطالب احصا شده از سوی مقامات آمریکایی درباره ایران
 مسئولان ارشد آمریکایی در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲، تعداد ۱۱۸ خواسته علیه
 ایران مطرح کرده‌اند

جدول ۱. توزیع مطالب مورد بررسی بر حسب حوزه کلی منافع

حوزه	تعداد	درصد
نظامی	۱۳	۱۱
اقتصادی	۱۱	۹/۳
سیاسی	۴۳	۳۶/۴
سیاسی - نظامی	۱۰	۸/۵
سیاسی - اقتصادی	۲۰	۱۶/۹
نظامی - اقتصادی	۲	۱/۷
سیاسی، اقتصادی و نظامی	۴	۳/۴
اجتماعی، فرهنگی و سیاسی	۱۵	۱۲/۷
جمع	۱۱۸	۱۰۰

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر مواضع اعلامی مسئولان ارشد امریکا درباره ایران،
 در حوزه سیاسی بوده است.

بررسی‌های یافته حاصل از جدول زیر نشان می‌دهد که مواضع دولت امریکا در
 قبال ایران را می‌توان در ۲۷ عنوان طبقه‌بندی کرد.

جدول ۲. توزیع مطالب مورد بررسی بر اساس حوزه فرعی آنها

جدول شماره ۲. توزیع مطالب مورد بررسی بر اساس حوزه فرعی آنها

ردیف	حوزه فرعی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
۱	ایجاد اجماع جهانی علیه ایران	۱۳	۱۱٪	۱۱٪
۲	موافقت یا برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران	۱۲	۱۰٪	۲۱٪
۳	تحریم ایران (افراد، بانک‌ها و...)	۱۱	۹٪	۳۰٪
۴	گفتگو با ایران درباره مسائل هسته‌ای	۹	۷٪	۳۸٪
۵	تعامل و رابطه با ایران	۹	۷٪	۴۵٪
۶	حمایت ایران از تروریسم و اقدام در راستای ترویج آن	۶	۵٪	۵۰٪
۷	شرکت‌های طرف قرارداد با ایران	۶	۵٪	۵۵٪
۸	اقدام نظامی علیه ایران (پیش‌دستانه)	۶	۵٪	۶۱٪
۹	درخواست تغییر روش و سیاست ایران	۵	۴٪	۶۵٪
۱۰	قطع روابط تجاری با ایران	۵	۴٪	۶۹٪
۱۱	تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی	۴	۳٪	۷۲٪
۱۲	تأمین منابع مالی علیه ایران	۴	۳٪	۷۶٪
۱۳	دیکتاتوری در ایران و مخالفت با دموکراسی	۴	۳٪	۷۹٪
۱۴	تولید تسلیحات هسته‌ای - اتمی	۳	۲٪	۸۲٪
۱۵	فعالیت‌های جاسوسی علیه ایران	۳	۲٪	۸۴٪
۱۶	برنامه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای	۳	۲٪	۸۷٪
۱۷	سیاست مهار دوجانبه	۲	۱٪	۸۸٪
۱۸	عبور خط لوله و مسائل مربوط به انتقال نفت	۲	۱٪	۹۰٪
۱۹	صدور کالا و فناوری‌های پیشرفته به ایران	۲	۱٪	۹۲٪
۲۰	کاهش یا پایان تحریم‌ها	۲	۱٪	۹۳٪
۲۱	تولید سلاح شیمیایی	۱	۰٪	۹۴٪
۲۲	سرنوشتی یا جایگزینی رژیم سیاسی ایران	۱	۰٪	۹۵٪
۲۳	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۱	۰٪	۹۶٪
۲۴	مبارزه با مواد مخدر	۱	۰٪	۹۷٪
۲۵	سیستم دفاع موشکی متحدان در منطقه	۱	۰٪	۹۸٪
۲۶	ضبط دارایی‌های ایران	۱	۰٪	۹۹٪
۲۷	نامشخص	۱	۰٪	۱۰۰٪
	جمع	۱۱۸	۱۰۰٪	-

۶ عنوان از این ۲۷ عنوان در ۵۰ درصد از مطالب آمده است. از این ۶ عنوان برتر، ۵ عنوان مربوط به مسأله هسته‌ای ایران است که نشان می‌دهد این موضوع برای دولت امریکا اهمیت بسیار بالایی دارد.

۱. حمایت از اجماع جهانی علیه ایران (عمدتاً مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای)؛
۲. تأکید بر لزوم اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران؛
۳. حمایت از سیاست تحریم ایران (افراد، بانک‌ها و...)
۴. آمادگی برای گفت‌وگو با ایران درباره مسأله هسته‌ای؛

۵. آمادگی برای تعامل و رابطه با ایران در زمینه مسأله هسته‌ای؛
۶. محکوم کردن حمایت ایران از تروریسم.
- بنابراین، بر اساس جداول فوق، مهم‌ترین شاخصه‌های اعمال قدرت امریکا در قبال ایران، بر اساس ابعاد سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و نظامی را می‌توان در جدول شماره ۳ برشمرد. (درویشی، همتی، ۱۳۹۵)

جدول شماره ۳. شاخص‌های اعمال قدرت آمریکا نسبت به ایران در ابعاد سه‌گانه

سیاسی	نظامی	اقتصادی
۱. ایجاد اجماع جهانی علیه ایران	۱. اقدام نظامی علیه ایران	۱. تحریم ایران (افراد، بانک‌ها و...)
۲. موافقت با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران	(پیش‌دستانه)	۲. شرکت‌های طرف قرارداد با ایران
۳. گفتگو با ایران درباره مسائل هسته‌ای	۲. تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی	۳. قطع روابط تجاری با ایران
۴. تعامل و رابطه با ایران	۳. تولید تسلیحات هسته‌ای - اتمی	۴. تأمین منابع مالی علیه ایران
۵. حمایت ایران از تروریسم و اقدام در راستای ترویج آن	۴. فعالیت‌های جاسوسی علیه ایران	۵. سیاست مهار دوجانبه
۶. درخواست تغییر روش و سیاست ایران	۵. سیاست مهار دوجانبه	۶. عبور خط لوله و مسائل انتقال نفت
۷. دیکتاتوری در ایران و مخالفت با دموکراسی	۶. تولید سلاح شیمیایی	۷. صدور کالا و فناوری‌های پیشرفته به ایران
۸. برنامه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای	۷. تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۸. کاهش یا پایان تحریم‌ها
۹. سیاست مهار دوجانبه	۸. مبارزه با مواد مخدر	۹. ضبط دارایی‌های ایران
۱۰. سرتگونی یا جایگزینی رژیم سیاسی ایران	۹. سیستم دفاع موشکی متحدان در منطقه	

گسترش نظام تحریم علیه ایران:

تحریم‌های امریکا:

پس از انقلاب اسلامی (درون سرزمینی):

قانون تحریم ایران و لیبی ۱۹۹۶

قانون تحریم جامع ایران ۲۰۱۰

قانون کاهش تهدید ایران و سوریه ۲۰۱۲

قانون مقابله با مخالفان امریکا تحریم CAATSA

دستور اجرایی ۱۳۸۴۶، تحریم بانک مرکزی و دلار

قانون محدودیت صدور ویزا

دستور اجرایی ۱۳۸۷۱، تحریم فلزات و تسویه بانکی

دستور اجرایی ۱۳۸۷۶، تحریم رهبر انقلاب و محمدجواد ظریف

دستور اجرایی ۱۳۹۰۲، تحریم باقی مانده اقتصاد ایران

تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل:

قطعنامه‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰

تمرکز بر مسائل هسته‌ای و نظامی

قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران:

۱۹۲۹ - با تأکید مجدد بر تعهد خود به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۹ ژوئن، ۲۰۱۰).

۱۸۰۳ - با تأکید مجدد بر تعهد خود به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۳ مارس، ۲۰۰۸).

۱۷۴۷ - با تأکید مجدد بر تعهد خود به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۲۴ مارس، ۲۰۰۸).

۱۷۳۷ - با تأکید مجدد بر تعهد خود به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۲۳ دسامبر، ۲۰۰۶).

۱۶۹۶ - با تأکید مجدد بر تعهد خود به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۲۰ ژوئن، ۲۰۰۶).

تحریم‌های اتحادیه اروپا:

مصوبات ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ شامل:

موضوعات هسته‌ای و نظامی، فناوری پیشرفته، حمل و نقل و کشتی رانی،

مالی و بانکی، نفت و گاز، زیرساخت‌های ارتباطی (رفیعی بصیری ۱۳۹۳)

۱. تحریم صنعتی:

تحریم‌های شورای امنیت	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های اتحادیه اروپا
مارس ۲۰۰۷ ژوئن ۲۰۱۰	۱۹۸۴	۱۹۸۴	فوریه ۲۰۰۷
تجهیزات صنایع نظامی و موشکی	۱۹۹۵	ژوئن ۲۰۱۰	ژانویه ۲۰۱۲ جولای ۲۰۱۰
کالاهای دارای کاربرد دوگانه	۱۹۹۵	ژوئن ۲۰۱۰	فوریه ۲۰۰۷
صنعت هسته‌ای و فناوری‌های حساس	۱۹۹۵	ژوئن ۲۰۱۰	فوریه ۲۰۰۷
صنعت نفت و گاز و پتروشیمی	۱۹۹۵	اکتبر ۲۰۱۲ ژانویه ۲۰۱۳ اکتبر ۲۰۱۳	جولای ۲۰۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ ژانویه ۲۰۱۲ اکتبر ۲۰۱۳
فلزات پر کاربرد	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۲	ژانویه ۲۰۱۲
فلزات گرانبها	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	ژانویه ۲۰۱۲
مواد اولیه و تجهیزات صنایع دریایی	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	اکتبر ۲۰۱۳
تجهیزات و قطعات صنایع هوایی	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	جولای ۲۰۱۰
تجهیزات مرتبط با بخش حمل و نقل	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	ژانویه ۲۰۱۲
کالاها و خدمات بخش خودروسازی	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	ژانویه ۲۰۱۲
مواد خام و نیم ساخته معدنی	۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	ژانویه ۲۰۱۲

۲. تحریم نفتی:

تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های شورای امنیت
ژانویه ۲۰۱۲	ژانویه ۱۹۹۶ جولای ۲۰۱۰	مارس ۱۹۹۵	سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران
جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ اکتبر ۲۰۱۲	مارس ۱۹۹۵	مدیریت و تأمین مالی برای توسعه میادین نفتی ایران و پتروشیمی
جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ نوامبر ۲۰۱۱	مارس ۱۹۹۶	فروش اقلام و تکنولوژی‌های مرتبط با صنعت نفت، گاز و پتروشیمی
	جولای ۲۰۱۰		فروش فرآورده‌های پالایشگاهی (از جمله بنزین)
ژانویه ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۲		خرید نفت و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی از ایران
	۳ ژوئن ۲۰۱۳		تسهیل خرید نفت و فرآورده‌های آن از ایران
اکتبر ۲۰۱۲	۳ ژوئن ۲۰۱۳		خرید گاز از ایران

۳. تحریم بانکی:



۴. محدودیت نوع ارز وارداتی (نعمتی مهدی ۱۳۹۳)

تحریم‌های شورای امنیت	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا
محدودیت و مسدود کردن دارایی‌های افراد و موسساتی که با ایران همکاری می‌کنند ۲۰۰۶ دسامبر	جولای ۲۰۱۰ فوریه و جولای ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ اگوست ۲۰۱۳	فوریه ۲۰۰۷ ژانویه ۲۰۱۲
تشدید نظارت بر معاملات با بانکهای ایرانی ۲۰۰۸ مارس			فوریه ۲۰۰۷ جولای ۲۰۱۰
محدودیت در فعالیت شعب خارجی بانکهای ایرانی ژوئن ۲۰۱۰			فوریه ۲۰۰۷ جولای ۲۰۱۰
محدود کردن معامله غیرمستقیم با برخی بانکهای خاص ایرانی	سپتامبر ۲۰۰۶	جولای ۲۰۱۰	
محدود کردن معامله غیرمستقیم با کلیه بانکهای ایرانی	نوامبر ۲۰۰۸		اکتبر ۲۰۱۲
تحریم بانک مرکزی ج.ا. ایران		۳۱ دسامبر ۲۰۱۱	اکتبر ۲۰۱۲
تحریم استفاده از ریال در مبادلات با ایران		۳ ژوئن ۲۰۱۳	

بررسی پیامدهای ایران هراسی

گسترش و تجدید حیات‌طلبی اسلامی در قالب اسلام سیاسی تحت تأثیر پدیده جهانی شدن و بسط انگاره‌ها و مؤلفه‌های کارکردی مدرنیته روند رو به رشدی به خود گرفته است؛ مطابق یافته‌های این نوشتار، در پی واکنش به مخاطرات و پیامدهای منفی این پدیده بر عمق حرکت‌های احیاگرایانه و شدت و شتاب آن افزوده گشته است. بسیاری از مفاهیم و انگاره‌های مدرنیته که در جریان فرایند جهانی شدن در حال عمومیت یافتن و استیلای خود بوده‌اند، با اصول و مبانی ارزش‌های اسلامی در تضاد و تقابل تلقی گردیده‌اند، به علاوه آموزه‌های اسلامی و قطعیت و مبانی اصول آن را به چالش کشیده و جوامع اسلامی را با بحران روبرو ساخته است؛ از این رو، ظهور و احیاء جنبش‌های اسلامی معاصر در رویکرد خاص گرایانه با شعار بنیادگرایی و تعبیر بازگشت به اصول اولیه اسلام واکنشی به آن بوده و در حقیقت نتیجه فرایندی است که آن را تجدید حیات مذهبی قلمداد می‌کنند. جنبش‌های نوین اسلامی در قالب حرکت‌های سیاسی معاصر در دنیای اسلام به‌ویژه خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ به بعد وارد مرحله تازه‌ای گردیده است. گسترش جریان احیاء‌طلبی اسلامی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و به‌ویژه از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، بی‌گمان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی اجتماعی خاورمیانه بوده است (مسعودنیا؛ حاجی‌زاده و نظری، ۱۳۹۵)

فروپاشی خلافت عثمانی و خلأ ناشی از آن و بعدها شکست تجربه ناسیونالیسم عرب پس از ۱۹۶۷ و کم رنگ شدن جذابیت سوسیالیسم عربی و افول تفکر چپ در خاورمیانه،

نوعی خلأ سیاسی ایدئولوژیک ایجاد کرد که اسلام‌گرایان مدعی پر کردن آن شدند. شکل‌گیری حرکت‌های بنیادگرایانه اسلامی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی بر این مبنا ظهور و گسترش یافته است. آثار و مفاهیم برآمده از گفتمان مدرنیته از قبیل عقلانیت، آزادی، نسبی‌گرایی و اومانیزم نیز در بررسی حرکت‌های احیاء‌طلبانه اسلامی بسیار حائز اهمیت است. به هر صورت پاسخ بومی جوامع اسلامی به این خطرات و پیامدها «بازگشت به اسلام و اصول بنیادی‌اش» یا بنیادگرایی اسلامی بود (دکمه‌جیان هریر، ۱۳۷۷: ۱۷).

در پی معاصر شدن مفهوم اسلام‌گرایی نوین و جهانی‌شدن این دو مفهوم رابطه معکوس خواهند داشت؛ زیرا هویت‌هایی اسلامی که جدید سر برمی‌آورند به جای نزدیک‌تر کردن ملل به یکدیگر، غالباً در کشورهای اسلامی تأثیری معکوس به جای می‌گذارد. حرکت جهانی‌شدن متضمن این خطر است که واکنش‌های هویت‌طلبانه را تشدید می‌کند یکی از این واکنش‌های هویت‌طلبانه گرایش احیاء‌گرایی خلافت اسلامی و هویت بنیادگرایی اسلامی است. هرچند بنیان‌گذاران این هویت‌ها بر آن هستند که جهانی‌شدن در جوهر اسلام وجود دارد و اساساً اسلام، تنها دینی است که قاطعانه به دنبال عملی کردن آن بوده و از آغاز، چنین رسالتی را بر دوش داشته است؛ با این حال، از یک‌طرف، چنین موضوعی در اساس پاسخی و واکنشی به ادعای کنش‌مدار بودن جهانی‌شدن یا به تعبیر واضح‌تر، هویت‌یابی معکوس است و از طرف دیگر، اصولاً این چنین قرائتی نه به معنای واقعی جهانی‌شدن، بلکه جهانی‌کردن آموزه‌های اسلامی و به تعبیری جهان‌گیری نرم‌افزارانه جهان است (شایگان داریوش، ۱۳۸۱ ش، ۶۴).

واتزر و رابرتسون هم به ویژگی جهان‌شمولی اسلام اشاره دارند؛ از دیدگاه واترز، مذاهب ابراهیمی به‌ویژه اسلام می‌توانند منبع و علاقمند به جهانی‌شدن باشند و تصریح می‌کند که «هدف اسلام، تأسیس جامعه‌ای از باایمانان (امت) است که بر اساس دستورات و تعالیم قرآن عمل می‌کند» با این وصف، در ادامه اذعان می‌دارد که این امر مستلزم «جنگ مقدس (جهاد) با بی‌ایمانان» نیز است. به هر روی، از منظری انتقادی چنین برداشتی از جهانی‌شدن بر مبنای گفتمان جهان‌گیری استوار است که آن هم در ماهیت خود نوعاً برداشتی ایدئولوژیکی و انحصارگرا از این پدیده ارزیابی می‌گردد (مسعودنیا؛ حاجی‌زاده و نظری، ۱۳۹۵).

بیشتر بحث‌های نظری پیرامون حرکت‌های سیاسی و بنیادگرایانه اسلامی در چارچوب گفتمان نوگرایی و تقابل میان تجدد و سنت در جوامع اسلامی به طور خاص صورت گرفته است (احمدی، الف ۱۳۸۶ ش، ۵۵).

از جمله تأثیرات جهانی شدن بر نظم دولت-ملت‌ها بحران مشروعیت است. به همین دلیل، جنبش‌های اسلامی وارد عرصه سیاست شده و رهبری و مرکزیت معنویت جامعه را بر عهده می‌گیرند و بحران مشروعیت می‌تواند نوعاً مشروعیت جنبش‌های اسلامی را سرعت بخشد. به اعتقاد هانتینگتون، تجدید حیات دینی و اسلامی در جوامع جهان سوم با گسترش دمکراسی در اواخر قرن بیستم همراه بوده است (هینس، ۱۳۸۴ ش، ۸۶). با چنین رویکردی میلر، سلامه و هاوار و بسیاری از تحلیل‌گران امریکایی معتقدند که بنیادگرایی اسلامی با تکیه بر جایگاه کمونیسیم به تهدیدی اسلامی برای امریکا تبدیل شده است (هینس، ۱۳۸۴ ش، ۸۶).

با بررسی هویت نوین ایران پس از انقلاب اسلامی و هم‌زمان شدن تشکیل این هویت جدید با رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه، این تلقی برای غرب ایجاد شده است که ایران هویت غرب و هم‌پیمانانش را به‌ویژه در منطقه خاورمیانه به چالش کشیده است. طبیعی است که غرب با این هویت جدید به مقابله پردازد. ایران هراسی یکی از این نتایج بشمار می‌رود. غرب با رواج ایران هراسی سعی در ایجاد توازن هویتی در منطقه به نفع خود دارد تا بتواند با ایجاد چتر حمایتی هم‌پیمانانش را اقناع نماید.

اقدامات جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ایران هراسی

جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با ایران هراسی همکاری‌های بسیاری را با غرب پس از انقلاب انجام داده است. بعد از تسخیر سفارت امریکا در تهران به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ارتش ایالات متحده امریکا تصمیم گرفت مستقیماً وارد عمل شود و گروگان‌ها را آزاد نماید؛ اما با شکست عملیات پنجه عقاب این طرح نیز بی‌نتیجه ماند و امریکا مجبور شد به توافقی سیاسی تن دهد که قرارداد الجزایر (۱۳۵۹) نام گرفت. نماینده امریکا وارن کریستوفر، معاون وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده طی این توافق تعهد کرد تا در امور داخلی ایران (چه از لحاظ سیاسی و چه نظامی) مداخله ننماید. در اواسط سال ۱۹۸۵ مقامات اسرائیلی به امریکا کمک کردند تا از راه‌های مخفی با افراد معتدل‌تری در درون دولت ایران - از جمله اکبر هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی ارتباط برقرار کند. در این زمان بود که گزارش کمیسون تاور از ماجرای ایران - کنترا افشا شد. پس از یک دوره مذاکرات سخت و طولانی در بهار ۱۳۶۵ مقامات ارشد امریکایی از جمله رابرت باد مک‌فارلین، رابرت مک‌فارلین رئیس شورای امنیت ملی، به ایران سفر کردند تا با ایران مستقیماً وارد معامله

شوند و در قبال آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان، محموله سلاح در اختیار ایران قرار بدهند. در نهایت امریکایی‌ها دست خالی تهران را ترک کردند (محسن هاشمی و حبیب‌الله حمیدی، ۱۳۸۸). مذاکرات ایران و امریکا در موضوع آینده افغانستان پس از طالبان در سال ۱۳۷۹ در بن آلمان جیمز دابنیز، نماینده ویژه وقت امریکا در افغانستان در تالار مذاکرات دفتر سازمان ملل در ژنو درباره افغانستان انجام شد و چندین روز به طول انجامید. بمباران افغانستان توسط آمریکا چند روز بعد آغاز شد. در نتیجه این مذاکرات نیروهای سپاه قدس در جریان شورش ۲۰۰۱ هرات، به نیروهای نظامی امریکایی در فتح هرات و ساقط کردن طالبان در آن شهر، یاری رساندند. فرماندهی نیروی‌های ایرانی بر عهده، فرمانده وقت سپاه پاسداران رحیم صفوی بود. Slavin, (۲۰۰۵)) زلمی خلیل زاد مقام سیاسی امریکا در دولت جورج بوش با محمدجواد ظریف نماینده ایران در سازمان ملل در سال ۱۳۸۱ باهدف جلب موافقت اکثریت شیعه عراق با حمله امریکا مذاکره کرد. (R. Gordon /Michael, 2016)) کالین پاول وزیر امور خارجه وقت امریکا پس از حمله پیش‌دستانه ایالات‌متحده به عراق توسط نیروهای امریکایی و متحدانش نشستی با شرکت نمایندگان کشورهای مختلف از جمله ایران برای بررسی اوضاع عراق برگزار کرد در تابستان ۱۳۸۵ عراق با موضوع بررسی اوضاع عراق و حل مشکلات سیاسی و امنیتی این کشور حسین امیر عبداللهیان معاون عربی و آفریقایی وقت وزارت امور خارجه و کراکر نماینده ویژه وقت امریکا در عراق نشستی برگزار گردید. پس از حمله داعش به عراق جان کری وزیر خارجه امریکا از کمک‌های نظامی ایران به عراق برای کمک به مبارزه با داعش استقبال کرد. در روز ۱۱ تیر ۱۳۹۵ ایران سه فروند جت جنگنده سوخو ۲۵ از سوی ایران به درخواست دولت عراق به عراق ارسال کرد (Dempsey, 2014)).

مذاکران ایران و غرب ۱۰ ساله با موضوع پرونده هسته‌ای ایران در طول سه دولت که منجر به ۳ بیانیه و یک طرح جامع بین‌المللی گردید. (Lyons, 2015) نهایتاً مجلس ایران تصویب و اجرای طرح جامع اقدام مشترک (برجام برجام را در ۹۴/۷/۲۱ تصویب کرد و دولت اجرای آن را در ۹۴/۱۰/۲۶ آغاز نمود.

راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و اتحادیه‌های رسانه‌ای:

راه‌اندازی این شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سحر، الکوثر، العالم، پرس تی وی و هیسپن تی وی به زبان‌های عربی-انگلیسی و اسپانیایی برای ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است. هدف اصلی این شبکه‌های خارجی زبان، آشنایی بیشتر مردم دنیا با

دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران، «بازتاب بی‌طرفانه خبرهای مهم جهان و خبر از دیدگاهی نو» است.

اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی در سال ۱۳۸۶ به همت جمعی از مدیران رسانه‌های اسلامی مشتمل بر ۲۰ شبکه تلویزیونی، ۵ شبکه رادیویی و ۳ موسسه و خبرگزاری راه‌اندازی شد. (مانند المسار، المنار، پیام کردستان، بلادی، موسسه المناره، فلسطین الیوم و خبرگزاری آوای افغانستان).

نامه‌نگاری به جوانان اروپا و امریکای شمالی: آیت‌الله خامنه‌ای تاکنون ۲ مرتبه (اول بهمن‌ماه ۱۳۹۳ - هشتم آذرماه ۱۳۹۵) نامه‌نگاری بین‌المللی باهدف گسترش دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران انجام داده است. در نامه اول وی خواستار شناخت اسلام از سوی جوانان غربی شد و در نامه دوم فاصله اطلاعات تاریخی جوانان اروپا و امریکای شمالی را کم کرد و پرسید: چرا سیاست‌مداران غربی اجازه نمی‌دهند جوانان اسلام را به‌خوبی بشناسند؟ بلکه حتی مانع شناخت مسیحیت و یهودیت را هم می‌شوند (Drennan, 2015).

مبارزه با تروریسم

ایران به دلیل عملکرد گذشته امریکا در نبرد علیه داعش به ائتلاف نپیوست اما مستقلاً اقدام علیه داعش را آغاز کرد. سپاه پاسداران چندین عملیات در خاک عراق بر علیه داعش انجام داده و شهرهای مختلف عراق را آزاد کرد. گفته شده است در صورتی که حضور قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه نبود داعش بغداد را نیز تصرف کرده بود. قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه پاسداران در خط مقدم مقابله با داعش قرار داشت و جلوگیری از سقوط بغداد و سامرا نقش اساسی داشته است. تنها شیعیان نیستند که با داعش مبارزه می‌کنند کردها و بخش بزرگی از سنی‌های عراق هم با داعش اختلافات اساسی دارند و حاضر به پذیرش آن‌ها نیستند. همان روز اول در موصل ۵۰۰ هزار نفر از مردم از ترس داعش گریختند. موصل که شهر شیعی نشین نیست (Tim Arango and Azam Ahmed, 2014).

در جریان آزادسازی افغانستان از حضور طالبان، نیروهای امریکایی از کمک‌های نیروی قدس سپاه بهره‌مند شدند. در جریان حمله امریکا به افغانستان سپاه قدس در عبور نظامیان امریکایی از رودخانه کوچکچا بین تاجیکستان و افغانستان قرار دارد و پیشروی به سمت کابل به آنان کمک کرده بود. (Martin Chulov, 2011) عملیات

عاشورا برای آزادی شهر جرف الصخر در عراق از اشغال داعش انجام شد. برخی رسانه‌های غربی این عملیات را که به فرماندهی سلیمانی انجام شد تحقیر ائتلاف غربی مقابله با داعش نامیدند. در این عملیات که پیش از طلوع آغاز و تا پیش از ظهر پایان یافت نیروهای دولت عراق و مبارزان شیعه به فرماندهی قاسم سلیمانی شهر را آزاد و ضربان سنگینی به داعش وارد آوردند. ابوبکر البغدادی طی یک پیام صوتی شکست سنگین را در این عملیات پذیرفت. شهر شیعه نیشن آمرلی چندین ماه در محاصره نیروهای داعش قرار داشت (Saif Hameed, 2016)).

پذیرش آوارگان جنگی:

(نیکولاس هیسام) نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور افغانستان: از ایران به‌عنوان همسایه قدرتمند افغانستان که طی بیش از سه دهه گذشته میزبان تعداد زیادی از آوارگان افغان و منشاء خدمات فراوان به آن‌ها بوده است، قدردانی می‌کنیم. «آنتونیو گوترز» کمیسر عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در دیدار با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران گفت: «به همکاری عالی جمهوری اسلامی ایران با UNHCR افتخار می‌کنیم، این همکاری‌ها برای این نهاد استراتژیک است. همواره گفته‌ایم که همکاری ایران با کمیساریای پناهندگان یک الگو و نمونه است. وی افزود: از ایران می‌خواهیم که از روند صلح افغانستان و نیز کمک به بهبود اوضاع امنیتی این کشور حمایت کند.» (Pajhman, 2015)

با روی کار آمدن صدام حسین به عنوان پنجمین رئیس‌جمهور عراق و آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰، بیش از یک میلیون نفر از جمله عراقی‌های ایرانی‌الصل و کردهای فیلی، پس از مصادره اموال‌شان از عراق اخراج و با دست خالی و پای پیاده، در مرزهای ایران رها شدند. پس از گذشت ۱۲ سال بخش هماهنگی امور انسان‌دوستانه دفتر سازمان ملل متحد، از حضور بیش از ۲۰۲ هزار پناهنده عراقی در ایران خبر داد که نزدیک به ۵۰ هزار تن از این تعداد پناهنده عراقی، در ۲۲ اردوگاه بخش غربی ایران واقع در امتداد مرز عراق سکونت داشتند (Redden Jack, ed. 2003). این اقدامات ایران در سطح نظام بین‌الملل حاکی از تلاش این کشور در جهت مقابله با ایران هراسی است.

راهکار مقابله با ایران هراسی:

راهکار اصلی در توجه به این نکته است که: طی فرآیند جهانی شدن واکنش‌های هویت‌طلبانه به‌ویژه اسلام‌گرا تشدید شده است و غرب می‌اندیشد جمهوری اسلامی

ایران به یک حرکت هویت طلبانه در داخل مرزهای ایران محدود نماند؛ و تلاش می‌کند تا این هویت ضدنظام را به چالش بکشد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران، برای مقابله با ایران هراسی نیازمند به‌کارگیری سیاست تنش‌زدایی است زیرا اهداف این سیاست شامل تأمین، تقویت توسعه، تثبیت امنیت و منافع ملی است و به معنای غفلت، ناهوشیاری در برابر تهدیدات نیست. بلکه شناخت مرزهای اختلاف و تفاوت یا تقابل با دیگر کشورهای مخالف و رقیب و تلاش برای تقویت دوستی‌ها از طریق شناخت رویه‌های مشترک و فرهنگ مشترک است. از این رو سیاست تنش‌زدایی نه تنها خواهان همکاری با غرب بلکه منادی دعوت کشورهای غربی به صلح مبتنی بر عدالت، تساوی و حذف زور در روابط بین‌الملل است. فرآیند «تنش‌زدایی تا اعتمادسازی»، فرایندی تعاملی بر اساس هویت‌ها و انتظارات ایران و غرب و در ضمن توجه به هنجارهای طرفین همراه با «تغییر در گفتار» و «تغییر در رفتار» گسترش می‌یابد. این سیاست از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در قالب یک تصویری شفاف بر گسترش روابط با کلیه کشورهای جهان بر اساس احترام متقابل، منافع مشترک، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، نهادینه شدن مقررات حقوق بین‌الملل، تلاش در جهت کاهش تشنج در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، رعایت حقوق اقوام و اقلیت‌های موجود در داخل به‌عنوان یک پیام جهانی در راستای حقوق بشر و مبارزه با تروریسم به‌عنوان اولویت‌های سیاست خارجی «تنش‌زدا» معرفی می‌شود.

برای نمونه منافع آمریکا و ایران در عراق کاملاً به هم وابسته است. ایران با وجود بی‌اعتمادی نسبت به ایالات متحده با هم در عقب راندن داعش از خاک عراق همکاری می‌کند. هدف فعلی ایالات متحده و ایران کمک به دولت عراق در مقابله با تجاوز داعش بود. همکاری تاکتیکی این دو کشور در عراق می‌توانست به دستیابی به این هدف کمک کند؛ اما همکاری زیادتر و گسترده‌تر ایالات متحده و ایران برای متحدان ایالات متحده مانند اسرائیل و عربستان سعودی مشکل‌ساز می‌شد و آنان از این همکاری خوشنود نبودند. به گفته مقامات اطلاعاتی ایالات متحده، ایران به شبه‌نظامیان طرفدار خود دستور داده است که امریکایی‌ها در عراق را هدف قرار ندهند. (Alireza Nader, 2015) در برخی از سطوح، همکاری با ایران در عراق نظامی ممکن بود موجب تقویت منافع امنیت ملی آمریکا در عراق گردد اما فقط در حوزه‌های محدودی مانند شکست داعش در استان دیاله عراق باقی ماند. این بدان معنی نیست

که ایالات متحده نقش ایران را در خاورمیانه کاملاً می‌پذیرد. بلکه ایالات متحده برای حل بحران‌های چندجانبه در منطقه باید ایران را به‌عنوان یک بازیگر به حساب آورد؛ اما در این توافقات سیاسی ایالات متحده باید احتیاط کند که ارتباط با ایران با هدف تغییر اساسی وضعیت منطقه همراه نباشد، بلکه هدف کمک به پیدا کردن روش‌های خنثی‌سازی و کاهش دادن درگیری‌های فرقه‌ای در عراق، سوریه و گسترده‌تر خاورمیانه است. (Dalton Richard, 2013)

توافق برجام

رهبر ایران در ۲۰ فروردین ۱۳۹۴ اعلام کرد: «البته مذاکرات در خصوص موضوع هسته‌ای یک تجربه است. اگر طرف مقابل از کج تابی‌های خود دست بردارد، این تجربه را می‌توان در مسائل دیگر ادامه داد؛ اما اگر طرف مقابل به کج تابی‌های خود ادامه دهد، تجربه قبلی ما در بی‌اعتمادی به امریکا تقویت خواهد شد.» این پیام مثبت به غرب جهت ارائه فرصت به منظور اعتمادسازی به افکار عمومی ایران در مسأله هسته‌ای بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۲۰).

توافق برجام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (آلمان، امریکا، بریتانیا، چین، روسیه، فرانسه) منعقد شد. این توافق ۱۵۹ صفحه‌ای، بعد از بیست ماه مذاکره و رایزنی به دست آمد و همه طرف‌های حاضر در مذاکره، آن را موفقیتی بزرگ ارزیابی کردند. این توافق در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ ایجاد، در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ مورد پذیرش و در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی شد و به دنبال آن دیوار بی‌اعتمادی بین ایران و غرب شروع به شکستن کرد. منطقی که اتحادیه اروپا ۱۰-۱۵ سال پیش آغاز کرد به نتیجه رسید. جمهوری اسلامی ایران یکبار دیگر اطلاعات مورد نیاز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قدرت‌های بزرگ را در اختیارشان قرار داد که معین می‌کرد (Dalton Richard, 2013). آیا ایران فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای داشته است یا خیر؟ نکته اینجاست که اگر ایرانیان به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای بودند مقامات اطلاعاتی غربی آن را تأیید نمی‌کنند؟ توافق ایران و غرب در مسأله هسته‌ای دو دستاورد برای خاورمیانه و تمام جهان داشت: اول آن که تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحت NPT تأیید خواهد شد و دوم آن که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خواهد شد. روابط ایران و غرب نباید بر اساس عادی‌سازی همه‌جانبه برنامه‌ریزی گردد. بلکه آن‌ها به‌عنوان احتمال زیاد به رقبای یکدیگر باقی

می‌مانند اما می‌توانند با همکاری یکدیگر را تحمل کنند تا تلاشی جهت اندک ثبات منطقه‌ای باشد. (Alireza Naderi, 2015)

بر اساس این توافق، ایران متعهد شد ذخایر اورانیوم غنی‌شده متوسط خودش را پاک‌سازی و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع کند، حداقل به مدت ۱۵ سال تعداد سانتریفیوژها را به حدود دو سوم کاهش دهد. ایران موافقت کرد که اورانیوم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی نکند و تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال به یک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کرد محدود گردید. دیگر تأسیسات نیز طبق پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اجتناب از خطرهای تکثیر سلاح‌های اتمی تبدیل شد. برای نظارت و تأیید اجرای توافق‌نامه توسط ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) باید به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم یافت. در نتیجه این توافق‌نامه قرار بود، ایران از تحریم‌های علیه ایران شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و تحریم‌های ثانویه ایالات متحده بیرون بیاید اما مجدداً تحریم شد. برجام توسط اوباما امضا شد. پس از آن دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری خود، فرمان لغو بخشی از تحریم‌ها را امضا کرد؛ اگرچه هشدار داد که این آخرین فرصت برای پنج کشور حاضر در قرارداد است تا با آمریکا برای رفع مشکلات عمده و اساسی موجود در برجام، همکاری کنند (Masterson Julia, 2022)). اما در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ شمسی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام خارج و بازگشت تحریم‌ها به صورت گذشته را اعلام کرد. متعاقباً در ۱۵ دی ۱۳۹۸، دولت حسن روحانی نیز پس از چهار مرحله کاهش تعهدات خود، طی بیانیه‌ای گام پنجم و نهایی کاهش تعهدات ایران در برجام را اعلام کرد. مطابق این بیانیه، جمهوری اسلامی ایران دیگر با هیچ محدودیتی در حوزه عملیاتی (شامل ظرفیت غنی‌سازی، درصد غنی‌سازی، میزان مواد غنی‌شده و تحقیق و توسعه) مواجه نیست. از آن زمان غنی‌سازی در ایران به شدت افزایش پیدا کرد و بنا بر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تا ۱۵ می ۲۰۲۲ (۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱) ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران که بر اساس برجام محدود به ۲۰۲ کیلوگرم بود، به سه هزار و ۸۰۹ کیلوگرم و میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران نیز با ۹/۹ کیلوگرم افزایش به ۱/۴۳ رسید. آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۰، تلاش کرد با فعال‌سازی مکانیسم ماشه تقریباً تمام تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را برگرداند که با مخالفت اکثریت اعضای شورای امنیت موفق به این کار نشد. با رسیدن جو بایدن به ریاست

جمهوری آمریکا در ژانویه ۲۰۲۱، اعضای ۱+۵ و ایران مذاکراتی را برای پیوستن مجدد آمریکا به برجام شروع کرده‌اند که تاکنون بی‌نتیجه بوده اما در قدم‌های آخر خود می‌باشد. (Landler Mark, 2018)

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله پیامدهای ایران هراسی بررسی شده و زمینه‌های تاریخی، سیاسی، نظامی با مصادیق آن ارائه گردید. همچنین اقدامات غرب در ایجاد ایران هراسی و جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ایران هراسی واکاوی شد. با بررسی راهکار پیشنهادی برای ممانعت از ایران هراسی اشاره شد که ایران برای دومین بار پس از انقلاب در صدد تنش‌زدایی برآمده است. در صورت مغتنم شمردن این فرصت توسط غرب، ایران هراسی به تدریج کاهش و نه متوقف خواهد یافت. به دلیل تفاوت هویتی ایران و غرب به‌عنوان دو رقیب اساسی و تاریخی همواره ادامه خواهد یافت اما با همکاری‌های موردی ممکن است روند هراسی کاسته گردد. واکاوی بستر تشکیل دهنده ایران هراسی می‌تواند به تلاش برای ممانعت از آن منجر گردد. همچنین توجه به اقدامات مثبت گذشته جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از تشکیل ایران هراسی می‌تواند غرب را به اعتماد بیش‌ازپیش به ایران ترغیب نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- احمدی، حمید (۱۳۸۶). «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه: طرح یک چارچوب نظری». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. شماره ۱۴ و ۱۵: ۹۴-۵۵.
- ایوبی، حجت‌ا...؛ و جمعی از مؤلفان (به اهتمام علی علیخانی) (۱۳۷۹). مشارکت انتخاباتی علل و انگیزه‌ها در مشارکت سیاسی. نشر سفیر.
- بابی، سعید (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه جمشیدی‌ها غلامرضا و عنبری موسی. تهران. دانشگاه تهران.
- برتراند، بدیع (۱۳۷۹). کنفرانس «تعارضات خشن: علل و انگیزه‌ها». دانشگاه لیون، فرانسه.
- حسینی، کیوان و فهیمه عشرتی (۱۳۹۳). «رویکردی سازه‌انگارانه به روند تکامل و تشدید سیاست تحریمی امریکا علیه ایران». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. شماره ۸: ۵۹-۳۱.
- خامنه‌ای سیدعلی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29440> 20/1/1394 بازبینی در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۵). بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- درویشی، فرهاد و زهره همتی (۱۳۹۵). «چشم‌انداز راهبرد امریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱: ۷۰-۴۳.
- دکمه‌جیان، هرایر (۱۳۷۷). جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب. ترجمه حمید احمدی. تهران: کیهان.
- روزنامه کیهان (۳ بهمن ۱۳۹۱)، ص ۲، خبر ویژه. بازبینی در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱.
- روزنامه کیهان (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۱)، ص ۲، خبر ویژه. بازبینی در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱.
- روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۸۹/۱۰/۰۸) بازبینی در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱.
- رفیعی بصیری، مرتضی (۱۳۹۳). پرونده هسته‌ای ایران در دوران اوپاما. تهران: نشر پژوهاک.
- رجائی، غلامعلی (۱۳۹۲). مناسبات ایران و هلند از دوره صفویه تا زنده. قم: پژوهشکده امام خمینی (ره).
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن. تهران: سمت.
- شریل، غسان (۱۳۹۲). صدام از اینجا عبور کرد. تهران: کتاب سبز.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۱). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل‌تکه. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فرزانه روز.
- شریعتی نیا محسن (۱۳۹۰). «تبیین راهبرد ایران هراسی از جانب امریکا جهت مشروعیت‌سازی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی». مطالعات راهبردی. شماره ۱۲: ۲۹-۱۲.

علوی کارگر ابرقویبی، ابوالفضل؛ عبدالله عبدالمطلب، عباسعلی رهبر و صالح حسن زاده (۱۳۹۸). «تبیین تأثیرات اسلام هراسی و ایران هراسی بر مناسبات فرهنگی ج. ا. ایران و غرب در فضای پسا انقلاب اسلامی». *مطالعات انقلاب اسلامی*. شماره ۵۹: ۷۲-۴۹.

فاضلی، قادر (۱۳۷۸). «انسانی دینی و جامعه دینی از منظر اقبال لاهوری»، کتاب نقد، شماره ۹ و ۱۰. فیصل، قاسم (۱۳۹۵). اعراب حسرت ایران را می‌خورند <http://www.irdiplomacy.ir/fa/html/۱۹۳۱۴۲۷/page>: بازبینی در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). معراجی، ابراهیم (۱۳۸۹). «ایران هراسی: دلایل و پیامدها». *فصلنامه سیاست خارجی*. شماره ۳۹: ۲۰۸-۱۹۷. ملک‌محمدی، حمیدرضا و هدی داودی (۱۳۹۱). «تأثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس». *فصلنامه سیاست*. شماره ۲: ۲۴۶-۲۲۷.

«مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی» (۱۳۷۸) جلد اول، نشر هماهنگ. «مجموعه مقالات پژوهشی «راه انقلاب پیشین»» (۱۳۷۹) جلد ۲: ۱۳۱-۱۱. مظاهری، ابودر (۱۳۹۲). «بررسی آینده انقلاب اسلامی بر اساس سه پیش‌بینی استحاله». *مه‌ار و تکامل*. شماره ۶۱-۸۴: ۱.

مسعودنیا، حسین؛ جلال حاجی‌زاده و مینا نظری (۱۳۹۵). «احیای جنبش‌های اسلامی معاصر در سپهر جهانی شده». *فصلنامه علمی تخصصی حبل‌المتین*. شماره ۱۵: ۸۷-۱۰۵.

مرتضویان، سیدعلی، لنا عبدالخانی و مصطفی‌حطه (۱۳۹۲). «گفت‌وگوهای هویتی از منظر سازه‌انگاری در گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و نظام بین‌الملل». *مطالعات روابط بین‌الملل*. شماره ۲۱: ۱۳۸-۱۰۹. موسوی خلخالی (۱۳۸۹). <http://www.irdiplomacy.ir/fa/html/۱۹۲۸۴۲۴>: بازبینی در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱.

مهدی‌زاده، سیدمحمد و مجید سلیمانی ساسانی (۱۳۹۵). «اسلام هراسی و ایران هراسی در سینمای هالیوود، تحلیل فیلم سینمایی «غیرقابل درک»». *مطالعات قدرت نرم*. شماره ۱۴: ۲۲۶-۲۲۰.

گلشنی، مهدی (۱۳۷۷). *از علم سکولار تا علم دینی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. نعمتی، مهدی (۱۳۹۳). «تحریم‌های اقتصادی و علل اثرگذاری آن‌ها بر اقتصاد ایران». *نشریه اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)*.

ونت، الکساندر (۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هاشمی، محسن و حبیب‌الله حمیدی (۱۳۸۸). *ماجرای مک‌فارلین؛ فروش سلاح - آزادی گروگان‌ها*. تهران: نشر معارف انقلاب.

هینس، جف (۱۳۸۱). دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، ترجمه داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Badie Bertrand, Hermet Guy, Politigue, Paris, PUF, 1990, P. 134-137

Saif Hameed (2016). Iraqi Sunni politicians reject visit by Iran's Soleimani: Retrieved 2 March 2017 <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-iraq-iran-falluja-iduskcn0yj0g1>.

Chomsky/ Noam (2010) The Iranian Threat. Retrieved 2 March 2017, from: <https://chomsky.info/20100702>.

Dempsey/ Joseph (2014) Iraqi's latest Su-25s come from Iran: Retrieved 30 November, 2016, from <http://www.iiss.org/en/militarybalanceblog/blogsections/2014-3bea/july>.

Drennan /Justine (2015) To the Youth in Europe and North America An Unexpected Open Letter From Ayatollah Ali Khamenei: Retrieved 2 March 2017, from. <http://foreignpolicy.com/2015/01/21/to-the-youth-in-europe-and-north-america-an-unexpected-open-letter-from-irans-supreme-leader>.

Drennan /Justine (2015) To the Youth in Europe and North America An Unexpected Open Letter From Ayatollah Ali Khamenei: Retrieved 2 March 2017, from. <http://foreignpolicy.com/2015/01/21/to-the-youth-in-europe-and-north-america-an-unexpected-open-letter-from-irans-supreme-leader>.

Drennan /Justine (2015) To the Youth in Europe and North America An Unexpected Open Letter From Ayatollah Ali Khamenei: Retrieved 2 March 2017, from. <http://foreignpolicy.com/2015/01/21/to-the-youth-in-europe-and-north-america-an-unexpected-open-letter-from-irans-supreme-leader>.

W. Moore /David (2004) Iran or North Korea More of a Threat? It Depends: Retrieved 30 November, 2016, from <http://www.gallup.com/poll/14362/iran-north-korea-more-threat-depends.aspx>.

W. Moore/ David (2006) Iran: Retrieved 30 November, 2016, from <http://www.gallup.com/poll/116236/iran.aspx>.

Jack Redden, ed. Vivian Tan (2003). Retrieved 2 March 2017: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/search?page=search&skip=585&docid=3ea6b1714&query=iraq>.

Hattem Julian (2013): Why Do So Many People Laugh at North Korea but Fear Iran? Iran: Retrieved 2 March, 2017, <https://www.theatlantic.com/international/archive/2013/04/why-do-we-laugh-at-north-korea-but-fear-iran/274680>.

Slavin /Barbara (2005) Iran helped overthrow Taliban, candidate says: Retrieved 30 November, 2016, from http://usatoday30.usatoday.com/news/world/2005-06-09-iran-taliban_x.htm.

Retrieved 30 November, 2016, from http://www.nytimes.com/2016/03/07/world/middleeast/us-conferred-with-iran-before-iraq-invasion-book-says.html?_r=0

Lyons/ Kate (2015) Iran nuclear talks: timeline Iran: Retrieved 30 November, 2016, from <https://www.theguardian.com/world/2015/apr/02/iran-nuclear-talks-timeline>.

Heritage | (2017) Index Retrieved 2 March, 2017. <http://index.heritage.org/military/2017/assessments/operating-environment/middle-east>.

Khalaf Roula James Drummond (2010) Retrieved 2 March 2017: <https://www.ft.com/content/ffd73210->

- c4ef-11df-9134-00144feab49a. Iraq. Retrieved 2 March 2017
<https://www.theguardian.com/world/2011/jul/28/qassem-suleimani-iran-iraq-influence>.
http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE100/PE151/RAND_PE151.pdf
March 2017: <https://www.chathamhouse.org/media/comment/view/196252>.
Pajhman(2015): Top UN refugee official calls for renewed international focus on Afghanistan. Retrieved 2 March. 2017.
http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsId=52188#.WL_qam997Dc.
Tim Arango and Azam Ahmed(2014).
U.S. and Iran Unlikely Allies in Iraq Battle. Retrieved 2 March 2017
https://www.nytimes.com/2014/09/01/world/middleeast/iraq.html?_r=1.
Landler Mark (2018) <https://www.nytimes.com/2018/05/08/world/middleeast/trump-iran-nuclear-deal.html>.
Masterson Julia(2022): <https://www.armscontrol.org/factsheets/JCPOA-at-a-glance>.

